

چیستی

و ساختار منطقی قیاس مساوات

محمدعلی نوری*

دانش آموخته سطح چهار حوزه، پژوهشگر منطق و فلسفه در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و حوزه علمیه قم

چکیده

قیاس مساوات در ظاهر همانند یک قیاس اقترانی حملی بسیط است که البته صدق آن به صدق مقدمه خارجی «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» وابسته است. به همین دلیل برخی بر این باورند که ارسطو با قید «انتاج بالذات» در تعریف قیاس، در مقام خارج کردن قیاسهایی مانند قیاس مساوات است. از سخنان ابن سینا بدست می‌آید که قیاس مساوات یک اقترانی حملی است که از هیئت قیاسی خود بیرون رفته و حدود آن از چینش منطقی برخوردار نیست، چراکه مقدمات این قیاس نه در همه حد وسط، بلکه تنها در بخشی از آن اشتراک دارند. خواجه طوسی تلاش کرده هیئت قیاسی و ترتیب منطقی حدود قیاس مساوات را بیان کند و در این راستا آن را به دو گونه اقترانی حملی بسیط و اقترانی حملی مرکب، تصویر کرده است. او همچنین به سخنان فخر رازی در اینباره نیز پاسخ داده است؛ فخر رازی معتقد است قیاس مساوات دارای حد وسط متکرر نیست و به همین دلیل نمیتوان آن را یک اقترانی شمرد بلکه باید آن را قیاسی دانست که تنها به بداهت عقلی منتج است. قطب‌الدین رازی اما از یکسو در شرح سخنان خواجه طوسی، قیاس مساوات را یک

اقترانی مرکب دانسته و اقترانی بسیط بودن آن را دچار اشکال میدانند و از دیگر سو، در شرح مطالع، همانند فخر رازی، قیاس مساوات را فاقد تکرار حد وسط شمرده و انتاجش را با لحاظ دو مقدمه داخلی و مقدمه خارجی آن، بدیهی میدانند. خونجی ساختاری جدید برای قیاس مساوات طراحی میکند و مقدمه خارجی این قیاس را «هر مساوی ب، مساوی است با هر چیزی که ب با آن مساوی است» میدانند که البته این دیدگاه وی با اشکال روبرو است. شهرزوری قیاس مساوات را در صورتی که منتج «الف مساوی ج است» باشد، بیرون از تقسیم قیاس به اقترانی و استثنایی شمرده و در صورتی که منتج «الف مساوی مساوی ج است» باشد، یک اقترانی حملی بسیط دانسته است. ملاصدرا باره دیدگاهی که قیاس مساوات را فاقد تکرار حد وسط دانسته، آن را یکی از قیاسهای اقترانی حملی مرکب مفصول‌النتائج میدانند که حد وسط در هر دو قیاس آن تکرار شده است. سخن ملاصدرا که همسو با سخن خواجه طوسی است، بیانگر دیدگاه درست درباره ساختار منطقی قیاس مساوات است.

*.Email: meshkat1009@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۲۹

کلیدواژگان

قیاس مساوات
 قیاس مرکب
 حد تام و حد غیر تام در مقدمات
 اقترانی حملی
 حد وسط
 مقدمه خارجی

درآمد

منطقدانان، قیاس مساوات را قیاسی میدانند که انتاج آن به صدق مقدمه خارجی وابسته است. این قیاس با وجود اینکه ظاهری متفاوت با دیگر قیاسها دارد و حدود آن از انضباط و انسجام منطقی آشکار بهره‌مند نیست، بدلیل اینکه از یکسو در زمره قیاس اقترانی حملی قرار می‌گیرد و دارای ارزشی برابر با ارزش منطقی آن است و از سوی دیگر کاربرد فراوان در دانشها دارد، بررسی ماهیت و ساختار منطقی آن از اهمیت برخوردار است.

با اینکه ارسطو نامی از قیاس مساوات نبرده، اما با لحاظ اینکه در تعریف قیاس قید «انتاج بالذات نتیجه از مقدمات» را ذکر کرده است^۱، میتوان گفت از ماهیت قیاسهایی مانند مساوات که انتاجشان نیازمند مقدمه خارجی است، آگاهی داشته است. گواه این سخن آنست که ابن زرعه می‌گوید: ارسطو در تعریف قیاس، قید «بالذات» را برای بیرون کردن قیاسهایی مانند قیاس مساوات از تعریف قیاس آورده است^۲.

ابن سینا با پرداختن به ماهیت منطقی قیاس مساوات، چینش حدود در این قیاس را مخالف صورت قیاسی دانسته و بر این باور است که برگرداندن این قیاس به ساختار اقترانی حملی که حدود آن از ترتیب منطقی برخوردار باشند، ممکن ولی دشوار است^۳.

پس از ابن سینا، منطقدانان در بیان چگونگی ساختار منطقی قیاس مساوات اختلاف کرده‌اند و

دیدگاه‌های گوناگون در اینباره پدید آمده است. میتوان گفت منطقدانان مسلمان در برخورد با قیاس مساوات به چند دسته تقسیم میشوند: برخی تنها به بیرون بودن این قیاس از تعریف قیاس، بدلیل ذاتی نبودن انتاج آن و اینکه انتاج آن نیازمند واسطه‌یی غیر از مقدمات است، اشاره کرده‌اند^۴. گروهی دیگر با بررسی ساختار این قیاس، آن را یا یک قیاس اقترانی حملی بسیط یا یک قیاس اقترانی حملی مرکب دانسته‌اند^۵. بعضی هم ساختار آن را یک قیاس اقترانی حملی مرکب شمرده‌اند^۶. عده‌یی هم قیاس مساوات را اساساً بیرون از تقسیم قیاس به اقترانی و استثنایی دانسته‌اند چراکه معتقدند قیاس مساوات دارای حد وسط متکرر نیست^۷.

مقاله حاضر تلاش دارد با برگزیدن دیدگاه درست از میان این دیدگاه‌ها و محور قرار دادن آن، از یکسو تصویری درست از ساختار منطقی قیاس مساوات بدست دهد و از دیگر سو، به بررسی دیگر دیدگاه‌ها و بیان اشکالات آنها بپردازد.

انواع قیاس

قیاس به اقترانی و استثنایی تقسیم میشود. قیاس

۱. ارسطو، منطق ارسطو، ۲۴b، ۲۵-۲۰.

۲. ابن زرعه، منطق ابن زرعه، ص ۱۱۰.

۳. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۲۷۹.

۴. بهمنیار، التحصیل، ص ۱۰۹؛ ساوی، البصائر، ص ۱۴۰؛

حلی، القواعد الجلیة، ص ۳۳۲.

۵. طوسی، شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۷۹.

۶. رازی، قطب‌الدین، تعلیقه بر شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۷۹؛

یزدی، الحاشیة، ص ۸۷؛ ملاصدرا، تعلیقه بر شرح حکمة الاشراق،

ج ۲، ص ۱۲۱.

۷. رازی، فخرالدین، شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۵؛

شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۶۴.

اقترانی خود به حملی و شرطی، و هر یک از اقرتانی حملی و اقرتانی شرطی به بسیط و مرکب تقسیم میگردند. قیاس استثنایی نیز خود به استثنایی متصل و استثنایی منفصل تقسیم میشود. در راستای شناخت بهتر چیستی و ساختار منطقی قیاس مساوات، شایسته است نخست دورنمایی از قیاس اقرتانی، قیاس استثنایی، قیاس اقرتانی حملی بسیط و قیاس اقرتانی حملی مرکب بیان گردد.

قیاس اقرتانی قیاسی است که نتیجه یا نقیض نتیجه، بالفعل در مقدمات آن ذکر نشده است. این قیاس از دو مقدمه صغری و کبری و سه حد اصغر، اکبر و اوسط تشکیل یافته و اوسط، حد مشترک و مکرر در صغری و کبری است که دو حد دیگر را بهم ربط میدهد و با حذف این حد مکرر، نتیجه قیاس، یعنی حمل اکبر بر اصغر، بدست می آید.

قیاس اقرتانی، یا حملی است یا شرطی و همچنین یا بسیط است یا مرکب. قیاس اقرتانی حملی آن است که همه مقدماتش قضیه حملیه است و نتیجه آن نیز یک قضیه حملیه خواهد بود. قیاس اقرتانی شرطی آن است که یک مقدمه یا همه مقدماتش قضیه شرطیه است و نتیجه آن نیز یک قضیه شرطیه خواهد بود.

قیاس اقرتانی حملی بسیط همان قیاس اقرتانی حملی است که تنها از دو مقدمه تشکیل یافته است، مانند «هر الف ب است و هر ب ج است. پس هر الف ج است». بسیط نامیدن این قیاس بدلیل آنست که مفرد است، به این معنا که یک حد وسط و یک نتیجه بیشتر ندارد و بنابراین در سنجش با قیاس مرکب از بساطت برخوردار است.

■ خواجه طوسی و ملاصدرا

بدرستی قیاس مساوات را با لحاظ

مقدمه خارجی آن – یعنی «مساوی مساوی

با یک چیز، مساوی با آن چیز است» که

تضمین کننده انتاج آن است –

یک قیاس اقرتانی حملی

مرکب مفصول النتائج دانسته اند که حد

وسط در هر دو قیاس آن تکرار شده است.

♦

قیاس اقرتانی حملی مرکب قیاس اقرتانی حملی تشکیل یافته از بیش از دو مقدمه است. با لحاظ اینکه با افزوده شدن هر مقدمه به مقدمات پیشین قیاس اقرتانی، یک قیاس به قیاس پیشین نیز افزوده میشود، چنانچه قیاس اقرتانی حملی بیش از دو مقدمه داشته باشد، آن را قیاس مرکب و غیر بسیط مینامند که دارای نتیجه پایانی و نتیجه یا نتایج پیش از آن است. قیاس مرکب خود به موصول النتائج و مفصول النتائج تقسیم میگردد.

در قیاس مرکب موصول النتائج، همه نتایج بیان میشوند و به دیگر سخن، هنگام بیان، نتایج به مقدمات وصل شده اند، مانند «هر الف ب است و هر ب ج است. پس هر الف ج است. سپس هر الف ج است و هر ج د است. پس هر الف د است. سپس هر الف د است و هر د ه است. پس هر الف ه است».

در قیاس مرکب مفصول النتائج همه نتایج بیان نمیشوند و تنها نتیجه پایانی آورده میشود. بدیگر سخن، هنگام بیان، نتایج به مقدمات وصل نشده بلکه از آنها فصل یافته اند، مانند «هر الف ب است و هر ب ج است و هر ج د است و هر د ه است. پس

هر الف است».

قیاس استثنایی قیاسی است که نتیجه یا نقیض نتیجه، بالفعل در مقدمات آن ذکر شده است. قیاس استثنایی از دو مقدمه تشکیل یافته، مقدمه نخست آن یک قضیه شرطیه متصله یا منفصله است و مقدمه دوم، عین یا نقیض یکی از دو طرف قضیه شرطیه که با استثناء این عین یا نقیض، عین یا نقیض طرف دیگر قضیه شرطیه، نتیجه گرفته میشود، مانند «اگر الف ب باشد، پس ج د است و لکن الف ب است. در نتیجه ج د است» و «یا الف ب است یا الف د است و لکن الف ب است. در نتیجه الف د نیست».

چیستی قیاس مساوات

همه منطقدانان پذیرفته‌اند که حد وسط قیاس مساوات جزء تام در هر دو مقدمه نیست، بلکه بخشی از محمول (نه همه محمول) در صغری و همه موضوع در کبری است و به همین دلیل، انتاج این قیاس وابسته به صدق مقدمه خارجی است. بنابراین در مقام شناسایی قیاس مساوات باید گفت: «قیاسی است که درستی انتاج آن در گرو صدق یک مقدمه خارجی است که با ترکیب این مقدمه خارجی و نتیجه قیاس تشکیل شده از دو مقدمه‌یی که حد وسط در صغری جزء غیر تام و در کبری جزء تام است، نتیجه اصلی به دست می‌آید». در این صورت، قیاس مساوات در واقع یک قیاس اقترانی حملی مرکب مفصول النتائج است که بیان ساختار منطقی آن بدین گونه است:

قیاس نخست: «الف مساوی ب است و ب مساوی ج است. پس الف مساوی ج است».

قیاس دوم: «الف مساوی مساوی ج است و هر مساوی مساوی ج، مساوی ج است. پس الف مساوی ج است».

حد وسط در قیاس نخست «ب» و در قیاس دوم «مساوی مساوی ج» است.^۸

مقدمه خارجی در قیاس مساوات به این دلیل خارجی و اجنبی دانسته شده که این مقدمه تلازم دائمی با دو مقدمه قیاس ندارد چرا که اگر صادق نباشد مستلزم آن دو مقدمه نیست، مانند قیاسی که مقدمه خارجی آن نصفیت است، و اگر صادق باشد مستلزم آن دو مقدمه است، مانند قیاسی که مقدمه خارجی آن مساوات است.^۹

بنابراین هرگاه مقدمه خارجی صادق باشد، قیاس مساوات منتج است و هرگاه مقدمه خارجی کاذب باشد، قیاس مساوات منتج نیست، مانند «الف نصف ب است و ب نصف ج است. پس الف نصف ج است».^{۱۰}

باید توجه داشت که اطلاق واژه «قیاس مساوات» بر قیاسی که در انتاجش نیازمند مقدمه خارجی «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» است، از باب «نامگذاری شیء به اسم جزئش» است چرا که این مقدمه خارجی جزئی از کل قیاس مساوات است. در واقع (همانگونه که گذشت) قیاس مساوات ترکیبی از دو قیاس است که نتیجه قیاس نخست به‌مراه مقدمه خارجی، صغری و کبری قیاس دوم که منتج نتیجه اصلی است را تشکیل می‌دهند.

۸. رازی، قطب‌الدین، تعلیقه بر شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۷۹؛ یزدی، الحاشیه، ص ۸۷؛ ملاصدرا، تعلیقه بر شرح حکمة الاشراق، ج ۲، ص ۱۲۱.
 ۹. رازی، قطب‌الدین، شرح المطالع، ص ۲۴۳.
 ۱۰. همو، تحریر القواعد المنطقية، ص ۳۸۵-۳۸۴.

البته واژه «قیاس مساوات» بر قیاسهای دیگر مانند مشابهت، جزئیت، مماثلت و ظرفیت نیز اطلاق میشود^{۱۱} و مساوات نامیدن این قیاسها به اعتبار معروفترین مصداق قیاس مساوات است، یعنی قیاسی که مقدمه خارجی آن عبارتست از «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است»^{۱۲}.

تبیین دیدگاه ابن سینا درباره ساختار منطقی قیاس مساوات

ابن سینا درباره ساختار قیاس مساوات میگوید: ممکن است از احکام مقدمات قیاس، چیزهایی حذف شود و صورت قیاس از حالت شایسته خود خارج شود، مانند اینکه میگویند «ج مساوی ب است و ب مساوی الف است. پس ج مساوی الف است». در این قیاس عبارت «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» حذف شده و قیاس از حالت خود که شرکت در همه اوسط است، به شرکت در بخشی از اوسط تغییر یافته است. برگرداندن این قیاس به حالتی که حدود آن از چینش منطقی و شایسته در انتاج نتیجه برخوردار باشند، دشوار است:

إنه ربما عرف من أحكام المقدمات أشياء يسقط و بيني القياس على صورة مخالفة للقياس مثل قولهم ج مساو لب و ب مساو لآ فج مساو لآ فقد أسقط عنه أن مساوي المساوي مساو، و عدل بالقياس عن وجهه من وجوب الشركة في جميع الأوساط إلى وقوع الشركة في بعضه. هذا قياس له أشباه كثيرة كما يشتمل على المماثلة و المشابهة و غيرهما و كقولنا الإنسان من النطفة و النطفة من العناصر

فالإنسان من العناصر و كذلك الشيء في الشيء في الشيء و الشيء على الشيء على الشيء و ما يجري مجراها وهي عسر الانحلال إلى الحدود المرتبة في القياس المنتج لهذه النتيجة.^{۱۳}

خواجه طوسی در توضیح این سخن بوعلی میگوید: دلیل دشوار بودن برگرداندن قیاس مساوات به حالت منطقیش آنست که در این قیاس، جزئی از محمول صغری موضوع کبری قرار گرفته و بنابراین صغری و کبری در بخشی از اوسط (نه همه آن) اشتراک دارند؛ به دیگر سخن، حد وسط در صغری جزء غیرتام و در کبری جزء تام است.

ساختار منطقی قیاس مساوات میتواند به دو گونه قیاس مفرد و قیاس مرکب بیان شود. بیان قیاس مساوات در قالب قیاس مفرد آنست که در قیاس «الف مساوی ب است و ب مساوی ج است. پس الف مساوی ج است»، موضوع صغری «الف» و محمول صغری «مساوی ب» است و چون در کبری «مساوی ج» بر «ب» حمل میشود، «مساوی ج» میتواند جانشین «ب» گردد. در این صورت «مساوی مساوی ج» در حکم «مساوی ب» و مترادف آن خواهد بود و بازسازی قیاس مساوات در قالب ساختار منطقیش اینگونه میشود: «الف مساوی مساوی ج است و مساوی مساوی ج مساوی ج است. پس الف مساوی ج است».

۱۱. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۲۷۹؛ طوسی،

شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۷۹.

۱۲. مظفر، المنطق، ص ۳۰۶.

۱۳. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۲۷۹.

اگر نپذیریم که «مساوی مساوی ج» مترادف و در حکم «مساوی ب» است، برای بازسازی ساختار منطقی قیاس مساوات باید آن را در قالب یک قیاس مرکب بیان کنیم، به این شکل که از ترکیب «الف مساوی ب است» و «مساوی ب مساوی مساوی ج است» (چراکه ب مساوی ج است و بنابراین مساوی ب، مساوی با مساوی ج خواهد بود)، نتیجه «الف مساوی مساوی ج است» بدست می‌آید و سپس از ترکیب این نتیجه و کبرای «مساوی مساوی ج مساوی ج است»، نتیجه «الف مساوی ج است» بدست می‌آید. بنابراین عبارت «الف مساوی ب است» در حالت نخست (قیاس مفرد)، در قوه صغرای قیاس است و در حالت دوم (قیاس مرکب)، صغرای قیاس نخست می‌باشد و عبارت «ب مساوی ج است» جزء قیاس نیست بلکه بیان حکمی برای ب (که جزئی از یکی از حدود قیاس است) است و قیاس با آن تکمیل می‌شود.^{۱۳}

قطب‌الدین رازی در تعلیقه خود بر شرح اشارات خواهد، می‌گوید: بیان وجه انتظام مقدمه ساقطه — یعنی «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» — با دو مقدمه قیاس (برای برگرداندن قیاس مساوات به هیئت قیاسی آن)، سزاوار نیست در قالب قیاس مفرد باشد، زیرا لازمه‌اش آنست که دو واژه متخالف بحسب مفهوم (یعنی «ب» و «مساوی ج»)، مانند دو واژه مترادف (یعنی دارای معنای واحد «مساوی ج») بحساب آیند. بنابراین شایسته است برگرداندن قیاس مساوات به هیئت قیاسی آن در قالب قیاس مرکب باشد، یعنی:

قیاس نخست: «الف مساوی ب است و هر آنچه مساوی ب است مساوی مساوی ج است

(چراکه ب مساوی ج است). پس الف مساوی مساوی ج است».

قیاس دوم: «الف مساوی مساوی ج است و مساوی مساوی ج مساوی ج است. پس الف مساوی ج است»^{۱۵}.

فخر رازی در شرح سخنان ابن‌سینا، برداشتی نادرست از دیدگاه بوعلی دارد، چراکه معتقد است در نگاه بوعلی قیاس مساوات دارای این اشکال است که اگر ج مساوی ب است، پس ب نیز مساوی ج است. در این صورت ج مساوی مساوی ج خواهد بود و مساوی مساوی، مساوی است و این خلف است، چون مساوات پس از تحقق مغایرت است^{۱۶}. قطب‌الدین رازی با آگاهی از اینکه ابن‌سینا چنین اشکالی را متوجه قیاس مساوات نمیداند و این اشکال از خود فخر رازی است، در پاسخ به این اشکال می‌گوید: در اینجا تغایر بحسب اعتبار وجود دارد و این تغایر بحسب اعتبار کفایت میکند.^{۱۷}

بررسی حد وسط در قیاس مساوات

درباره قیاس مساوات برخی برآنند که حد وسط این قیاس تکرار نشده اما این عدم تکرار حد وسط نقصی در انتاج قیاس مساوات پدید نیاورده است، چراکه با پذیرش دو مقدمه این قیاس، انتاج آن بگونه بدیهی پذیرفته می‌شود. بدیگر سخن، قیاس مساوات از پشتیبانی یک مقدمه خارجی — یعنی

۱۴. طوسی، شرح اشارات، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۷۹.

۱۵. رازی، قطب‌الدین، تعلیقه بر شرح اشارات، ج ۱، ص ۲۷۹.

۱۶. رازی، فخرالدین، شرح اشارات، ج ۱، ص ۳۳۵.

۱۷. رازی، قطب‌الدین، تعلیقه بر شرح اشارات، ج ۱، ص ۲۷۹.

«مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» – برخوردار است و این مقدمه خارجی انتاج آن را بگونه بدیهی (با وجود تکرار نشدن حد وسط) تضمین میکند.

فخر رازی در این راستا میگوید: قیاس مساوات دارای حد وسط مکرر نیست و نتیجه آن از راه اجتماع صغری و کبری بدست نیامده، بلکه انتاج آن بحکم بداهت عقل است. دلیل فخر رازی برای مکرر نبودن حد وسط در قیاس مساوات آنست که آنچه در دو مقدمه صغری و کبری قیاس مساوات تکرار شده، جزئی از محمول صغری و همه موضوع کبری است در حالیکه حد وسط باید همه یک حد مقدمه باشد. بنابراین اگر در قیاس مساوات نتیجه بگیریم که «الف مساوی مساوی ج است»، محمول نتیجه همان محمول کبری نیست، چراکه محمول کبری «مساوی ج» است و در این صورت، بخشی از اوسط – یعنی «مساوی» – جزئی از اکبر شده که درست نیست.

اوسپس میگوید: اگر کسی بر این باور باشد که قیاس مساوات دارای حد وسط مکرر است چراکه اصل این قیاس چنین میباشد که «الف مساوی ب است و هر آنچه مساوی ب است مساوی ج است. پس الف مساوی ج است»، این باور با سه اشکال رو برو است:

۱. ج یا مساوی ب است یا مساوی ب نیست. اگر ج مساوی ب نباشد، پس لازم نیست مساوی ب مساوی ج باشد و در این صورت کبری قیاس کاذب خواهد بود. اگر ج مساوی ب باشد، پس در «هر آنچه مساوی ب است» ج نیز داخل است و در این صورت لازمه گزاره «هر آنچه مساوی ب است مساوی ج است» آن خواهد بود که ج مساوی ج باشد که این نیز کاذب است؛ زیرا برقرار شدن رابطه مساوات میان دو چیز، پس از تحقق مغایرت میان آنها است.

۲. قضیه «هر آنچه مساوی ب است مساوی ج است» هنگامی صادق است که بدانیم «ب» مساوی «ج» است و «مساوی مساوی یک چیز، مساوی با آن چیز است» و بنابراین صدق این قضیه وابسته به اقامه قیاس مساوات است در حالیکه اقامه قیاس مساوات با پذیرش صدق این قضیه انجام میگردد و در نتیجه بیان دوری خواهد بود.

۳. حتی اگر بپذیریم انتاج قیاس مساوات با تکرار حد وسط انجام گرفته است، این قیاس بدون تکرار حد وسط نیز منتج است و بداهت عقل حکم میکند که اگر الف مساوی ب باشد و ب مساوی ج باشد، پس الف مساوی مساوی ج است و نیازی به تشکیل قیاس با ساختاری برخوردار از چینش منطقی حدود نیست.^۸

قطب الدین رازی نیز در همراهی با فخر رازی، پس از بیان اینکه مراد از انتاج بیواسطه آنست که صرف تعقل مقدمات در انتاج کافی باشد، و مراد از انتاج با واسطه آنست که صرف تعقل مقدمات در انتاج کافی نباشد، درباره ماهیت قیاس مساوات میگوید: آشکار است کسی که تعقل میکند «الف مساوی ب است و ب مساوی ج است و هر مساوی مساوی یک چیز مساوی آن چیز است»، بگونه جزم و بداهت عقلی تعقل میکند که «الف مساوی ج است»، بدون اینکه به تکرار حد وسط و نیز به دیگر واسطه‌ها که در بیان قیاس مساوات گفته میشود، نیاز باشد. این سخن برخی که میگویند استلزام بالذات مقدمات برای نتیجه وابسته به تکرار حد وسط است نیز نه پشتوانه برهانی دارد و نه تعریف قیاس بر آن دلالت میکند.

قطب الدین رازی همچنین اشکال میگیرد که تفاوت میان ملزوم و لازم در قیاس مساوات، یک تفاوت لفظی است نه واقعی، چراکه حکم کلی به تساوی میان آنچه
۱۸. رازی، فخرالدین، شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۵.

■ ملاصدرا با ردّ

**دیدگاهی که قیاس مساوات را
فاقد تکرار حد وسط دانسته، آن را
یکی از قیاسهای اقتترانی حملی
مرکب مفصول النتائج میداند
که حد وسط در هر
دو قیاس آن تکرار
شده است.**

..... ◊

که باب مساوی است (یعنی «الف») و آنچه که ب با آن مساوی است (یعنی «ج»)، بسبب وضع و پذیرش پیشین «تساوی الف باب و تساوی ب با ج» است.^{۱۹}

دیدگاه فخر رازی و قطب‌الدین رازی قابل دفاع نیست و بر خلاف آنان باید گفت اساساً شرط انتاج هر قیاس اقتترانی آنست که دارای حد وسط متکرر باشد که با حذف این حد وسط متکرر، نتیجه بدست می‌آید. در قیاس مساوات نیز هر آنچه که در مقدمات تکرار میشود در جایگاه حد وسط قرار دارد که با حذف آن، نتیجه بدست می‌آید. البته می‌پذیریم که انتاج در قیاس مساوات وابسته به صدق یک مقدمه خارجی است و به همین دلیل معمولاً منطقدانان ساختار قیاس مساوات را بگونه یک قیاس مرکب میدانند.

ملاصدرا در این باره می‌گوید: برخی بر این باورند که در قیاس اقتترانی گاه حد وسط تکرار نمیشود، مانند این قیاس: «الف مساوی ب است و ب مساوی ج است. پس الف مساوی ج است». در این قیاس اوسط حدّ تام در هر دو مقدمه نیست بلکه جزء حدّ در یک مقدمه و حدّ تام در مقدمه دیگر است. او این دیدگاه را نادرست میداند و در پاسخ آن می‌گوید: این قیاس و قیاسهای شبیه آن - مانند قیاس «زید آخو عمرو و عمرو آخو کاتب،

فزید آخو کاتب» و قیاس «الدرّة فی الحقیّة والحقیّة فی البيت فالدرّة فی البيت»، در واقع مرکب از دو قیاس هستند که نتیجه قیاس نخست، صغرای قیاس دوم و یک مقدمه خارجی نیز کبرای قیاس دوم میباشد. برای نمونه، بیان قیاس در مثال نخست در واقع اینگونه است:

قیاس (۱) «الف مساوی ب است و ب مساوی ج است. پس الف مساوی مساوی ج است».

قیاس (۲) «الف مساوی مساوی ج است و هر آنچه مساوی مساوی ج است مساوی ج است. پس الف مساوی ج است».

ملاصدرا در توجیه سخن خود می‌گوید: حد وسط لازم نیست در همه جا بگونه کلی تکرار شود، بلکه در جایی که حمل خود اکبر بر اصغر بدون کمی و زیادی مطلوب باشد، به حدّ جامع میان آنها نیاز است، در این صورت گفته میشود اوسط بگونه کلی تکرار شده است، ولی در جایی که مطلوب قیاس، حمل بخشی از اکبر بر اصغر یا حمل اکبر به همراه یک افزوده بر اصغر باشد، آنچه نیاز است تکرار چیزی است که به اعتبار آن چیز، اکبر با اصغر ارتباط پیدا کند و به تکرار اوسط بگونه کلی نیاز نیست. بنابراین گاه اوسط به نقصان و گاه به زیاده تکرار میشود و خللی در انتاج پدید نمی‌آید؛ برهانی نیز بر اینکه باید اوسط بدون نقصان و زیاده تکرار شود اقامه نشده است.

وی سپس پاسخ خواجه طوسی به تشکیک فخر رازی درباره تکرار اوسط در قیاس مساوات را همسو و هماهنگ با دیدگاه خود معرفی میکند.^{۲۰} عبارت خواجه طوسی چنین است: هنگامی که می‌گوییم: «آ» مساو ل «ب» و «ب» مساو ل «ج»، أنتج ف «آ» مساو ل مساو

۱۹. رازی، قطب‌الدین، شرح المطالع، ص ۲۴۴ - ۲۴۳.

۲۰. ملاصدرا، تعلیقه بر شرح حکمة الاشراق، ج ۲، ص ۱۲۱ -

۱۲۳.

ل«ج»، بمانند اینست که بگوئیم «زید مقتول بالسيف و السيف آلة حديدية فزید مقتول بالآلة حديدية». در این قیاسها جزء متکرر، یعنی «ب» (در قیاس نخست) و «سيف» (در قیاس دوم) حذف شده و دیگر اجزای قیاس در نتیجه ذکر شده‌اند. در قیاس دوم نتیجه در واقع همان صغری است جز اینکه «سيف» حذف شده و بجای آن محمولش در کبری، یعنی «آلة حديدية» ذکر شده است.^{۲۱}

شهرزوری معتقد است قیاس مساوات نه یک قیاس اقترانی است — چراکه دو مقدمه آن اشتراک در حد ندارند، بلکه محمول مقدمه نخستش «مساوی ب» است و موضوع مقدمه دومش «ب» است — و نه یک قیاس استثنایی، چراکه نتیجه یا نقیض نتیجه آن بالفعل در مقدمات نیامده است. البته در نگاه شهرزوری قیاس مساوات در صورتی بیرون از تقسیم قیاس به اقترانی و استثنایی خواهد بود و قیاس اقترانی شمرده نمیشود که نتیجه آن «الف مساوی ج است» باشد نه «الف مساوی مساوی ج است»، چراکه در حالت دوم قیاس مساوات یک اقترانی حملی بسیط است که حد وسط آن «ب» میباشد.^{۲۲}

با التفات به سخنان ملاصدرا معلوم میشود که این دیدگاه شهرزوری درست نیست، زیرا قیاس مساوات در واقع یک قیاس اقترانی حملی مرکب از دو قیاس است که در هر دو قیاس آن، حد وسط تکرار شده است.

بررسی دیدگاه برخی از منطقدانان دربارهٔ مقدمهٔ خارجی در قیاس مساوات

خونجی^{۲۳} و پیروی از وی، ارموی^{۲۴}، میپذیرند که انتاج در قیاس مساوات بالذات نیست بلکه بواسطهٔ یک مقدمهٔ اجنبی است. همچنین میپذیرند که قیاس مساوات بحکم اینکه یک قیاس اقترانی است، باید مقدمات آن در حد

وسط اشتراک داشته باشند. ولی آنان بر این باورند که اشتراک مقدمات قیاس مساوات در حد وسط هنگامی تحقق می‌یابد که مقدمهٔ خارجی را «هر مساوی ب، مساوی است با هر چیزی که ب با آن مساوی است» بدانیم، نه «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است». بنابراین بیان قیاس مساوات بگونه‌یی که مقدمات آن در حد وسط اشتراک داشته باشند، چنین است: «الف مساوی ب است و هر آنچه مساوی ب است مساوی هر آن چیزی است که ب مساوی آن است. پس الف مساوی هر آن چیزی است که ب مساوی آن است». لازمه نتیجهٔ این قیاس، قضیهٔ «هر آنچه ب مساوی آن است، الف مساوی آن است» میباشد که با ضمیمه شدن «ب مساوی ج است»، مطلوب یعنی «الف مساوی ج است»، بدست می‌آید. شهرزوری نیز همین دیدگاه را بگونه‌یی بازگو کرده است.^{۲۵}

باسنجش دیدگاه خونجی و ارموی و دیدگاه ابن سینا و شارحان وی در باره مقدمهٔ خارجی در قیاس مساوات، نتیجه میگیریم که خونجی و ارموی به این سخن ابن سینا توجه نکرده‌اند که مقدمهٔ خارجی «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» پشتوانهٔ انتاج در قیاس مساوات است، نه حد وسط قیاس مساوات. بنابراین بیان ساختار منطقی قیاس مساوات بگونه‌یی است که مقدمهٔ خارجی آن (و البته مصداق این مقدمه مانند «مساوی مساوی ج مساوی ج است») کبرای قیاس دوم که منتج نتیجهٔ قیاس مساوات است، قرار میگیرد.

۲۱. طوسی، شرح الاشارات، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۶.

۲۲. شهرزوری، شرح حکمة الاشراق، ص ۶۴؛ همو، رسائل

الشجرة الالهية، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲۳. خونجی، كشف الاسرار، ص ۲۳۲-۲۳۱.

۲۴. ارموی، مطلع الانوار، ص ۲۴۲.

۲۵. شهرزوری، رسائل الشجرة الالهية، ج ۱، ص ۲۲۴.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی نگاشته‌های منطقی معلوم میشود که برای نخستین بار، ابن‌سینا ماهیت قیاس مساوات را بیان کرده و سخنان وی الهامبخش تبیین ساختار منطقی قیاس مساوات از سوی پیروان وی شده است. در این میان خواجه طوسی و ملاصدرا بدرستی قیاس مساوات را با لحاظ مقدمه خارجی آن - یعنی «مساوی مساوی با یک چیز، مساوی با آن چیز است» که تضمین‌کننده انتاج آن است - یک قیاس اقترانی حملی مرکب مفصول‌النتائج دانسته‌اند که حد وسط در هر دو قیاس آن تکرار شده است.

برای نمونه، در قیاس مساوات «(۱) الف مساوی ب است و ب مساوی ج است. پس الف مساوی مساوی ج است. (۲) الف مساوی مساوی ج است و مساوی مساوی ج مساوی ج است. پس الف مساوی ج است»، حد وسط در قیاس نخست «ب» و در قیاس دوم «مساوی مساوی ج» است که با حذف آنها انتاج بدرستی انجام میگیرد.

همچنین در نگاه خواجه طوسی و ملاصدرا، مقدمه خارجی در قیاس مساوات، پشتوانه انتاج قیاس مساوات و در جایگاه کبرای قیاس دوم آن قرار دارد. این دیدگاه از یکسو برخلاف دیدگاه کسانی مانند فخر رازی است که معتقدند قیاس مساوات دارای حد وسط مکرر نیست و از اینرو نباید آن را در شمار قیاسهای اقترانی شمرد، و از دیگر سو، بر خلاف دیدگاه کسانی مانند خونجی است که معتقدند مقدمه خارجی در قیاس مساوات عبارتست از «هر مساوی ب، مساوی است با هر چیزی که ب با آن مساوی است» و این مقدمه در جایگاه حد وسط قیاس مساوات قرار دارد.

منابع

- ابن زرعه، عیسی بن اسحاق، منطق ابن زرعه، تصحیح جبرار جهامی و رفیق عجم، بیروت، دار الفکر اللبنانی، ۱۹۹۴م.
ابن سینا، الاشارات و التنبیها، قم، بلاغت، ۱۳۷۵.
ارسطو، منطق ارسطو (ارگانون)، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، تهران، نگاه، ۱۳۷۸.
ارموی، سراج‌الدین، مطالع الانوار (در شرح مطالع الانوار فی المنطق قطب‌الدین رازی)، قم، کتبی نجفی، ۱۲۹۴.
بهمنیار بن مرزبان، التحصیل، تصحیح شهید مطهری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
حلی، حسن بن یوسف، القواعد الجلیة فی شرح الرسالة الشمسیة، تحقیق فارس حسون تبریزیان، قم، اسلامی، ۱۴۱۲ق.
خونجی، محمد بن ناماور، کشف الاسرار عن غوامض الافکار، مقدمه و تحقیق خالد رویهب، تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۹.
رازی، فخرالدین، شرح الاشارات و التنبیها، مقدمه و تصحیح علیرضا نجف‌زاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
رازی، قطب‌الدین، تحریر القواعد المنطقية، تصحیح محسن بیدارفر، قم، بیدار، ۱۳۸۶.
-----، تعلیقه بر شرح الاشارات و التنبیها طوسی، قم، بلاغت، ۱۳۷۵.
-----، شرح مطالع الانوار فی المنطق، قم، کتبی نجفی، ۱۲۹۴.
ساوی، عمر بن سهلان، البصائر النصیریة فی علم المنطق، مقدمه رفیق عجم، بیروت، دار الفکر اللبنانی، ۱۹۹۳م.
شهرزوری، شمس‌الدین، رسائل الشجرة الالهية، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
-----، شرح حکمة الاشراف، تصحیح حسین ضیائی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
طوسی، نصیرالدین، شرح الاشارات و التنبیها، قم، بلاغت، ۱۳۷۵.
مظفر، محمدرضا، المنطق، تعلیقه غلامرضا فیاضی، تحقیق رحمت‌الله رحمتی، قم، اسلامی، ۱۴۲۱ق.
ملاصدرا، تعلیقه بر شرح حکمة الاشراف قطب‌الدین شیرازی، تصحیح حسین ضیائی، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۹۲.
یزدی، ملاعبدالله بن حسین، الحاشیة علی تهذیب المنطق، قم، اسلامی، ۱۴۲۱ق.